



مقالات

ترکیب و مضمون در

شعر انقلاب اسلامی

تقی اژه‌ای

عضو هیات علمی گروه ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

مقدمه:

لطافت روح ایرانی را باید در آئینه ذوق ادبی اش تماشا کرد، خصیصه ای که نه تنها در تاریخ ادبی این سرزمین محدود به شرایط نگردیده است، بلکه دایره تنگناها را در خویش هضم نموده و در لابه لای حوادث با وحدت شخصیت خود را ظهور داده است. شخصیتی که لایه های آن با نجابت و پاکی، دوست داشتن خوبی ها، کنکاش همیشگی در درون برای زدودن بیگانگی ها، ایثار برای آنچه که دوستش دارد و... عجیب است. حماسه ساز بزرگش فردوسی، غزل پرداز لطیفش سعدی، رهرو عشق و حقیقتش حافظ، مثنوی سرای شوریده و عارفش مولوی، و دوبیتی سرای واله و سرگشته اش باباطاهر و همه سرودگران بزم های شادی و غم این ملت، با همین عناصر

والا انس دارند و در تکاپویند تا تجربه خویش را از یک ریاضت سخت و مجاهدت ارزنده در مدت عمری که سپری کرده اند، خالصانه بدون ریا در منظر دیدگان، چونان زیباترین تابلوی حیات، به تماشا گذارند. و گاهی در این راه از جان نیز مایه گذاشته‌اند همچون عطار. کدامین ملتی، چنین سخنگویان گره خورده با خویش را در قرون و اعصار با خود همراه داشته است؟ اگر در سراسر تاریخ ادبی این مرز و بوم بوده‌اند کسانی که در ناز و نوش حاکمان، سرسپرده جاه و نام، در کنار نظم و سروده خویش بوده‌اند، اما در میان هزاران نیک، چند استثناء نمی‌تواند در عظمت کار دیگران شکست ایجاد کند.

فراز و نشیب‌ها در تاریخ ما فراوان بوده‌اند به گونه‌ای که قرنی بر این ملت نگذشته، که این آمد و رفت‌ها و گردش ایام تأثیر در تاریخ اجتماعی سیاسی ما نداشته باشد. در این میان، دگرگونی‌هایی بوده‌اند که در اعماق فرهنگ، که اساسی‌ترین زنجیره پیوند ملی است، تأثیر کرده‌اند و تحول عمیق در آن ایجاد نموده‌اند و گاه نهضت‌هایی که اثر گذار بهایشان در زمان و مکان محدود محقق شده است. انقلاب اسلامی که اکنون در سراسر جهان به انقلاب امام خمینی (ره) نیز شناخته شده؛ برای فرهنگ ما، بستر ساز بوده است. انقلابی که بیشتر از هر چیز عناصر فرهنگی را تغییر داده و یا بازسازی نموده است. شعر فارسی، از جمله همین مقولات فرهنگی است که در جریان این انقلاب مردمی، تحت تأثیر شدید آمیختگی و تأثیرپذیری در ترکیب واژگان و مضمون از فرهنگ و معارف اسلام با تفسیر شیعی آن و تموج تلمیحات مذهبی، واقع گردیده است. در این میدان، شاعر در گسیختگی از مردم خویش در گوشه بیغوله‌ای یا کاخی نیست که با هزاران فرسنگ فاصله از مردمش بگوید و بسراید. پیوند او با فرهنگی است که در انقلاب اسلامی جوشش عشق پاک در آن کاملاً هویدا گردید. بازگشت حقیقی به اسوه‌های قرآنی، روح انگیزی شعر در حب شاعر به خدا و انقلاب و زینت گرفتن واژگان و معانی از حقایق ناب فطری، اصولی‌ترین تغییرات در مضامین شعر این دوره است.



در این مقاله سعی شده است، از کنار دریای شعر انقلاب اسلامی؛ به گوشه هائی از این تحول در بستر «مضامین» و «ترکیب های» شعری پرداخته شود. امید که فرهیختگان فرهنگ و شعر، نقصها را متذکر و با پند پدرا نه، معلم حقیر باشند.

جدای از بحث های فراوان و لازم در موضوع «فن شعر» که در حوزه های مختلف؛ تعریف شعر، وزن شعر، صنایع لفظی و معنوی در شعر و علوم بلاغی در شعر... تاکنون صورت گرفته است؛ خیال انگیزی نیز از جمله لوازم اصلی و جزء ضروری ترین عناصر پیدایش شعرند. گاهی مضامین در محدودیت قرار دارند اما، تخیل شاعر، آفرینش می کند و ساختمانی بسیار زیبا از واژگان پدید می آورد که گاه تا حد «رستاخیز کلمات» مرزها و محدودیتها را می شکند. هر چه توش و توان شاعر قوی تر باشد، این تحول چشمگیرتر است. در پناه همین قدرت شاعری است که خلق «مضمون» و ساختن «ترکیب» در جوهره شعر و پدید آمدن آن معنا می یابد و توانمندی شاعر به ظهور می رسد. به عنوان مثال کمتر شاعری در بهنه ادب فارسی دری از آغاز پیدایش تاکنون، بوده است که با مضمون الهی و فطری «عشق» شعر خویش را طراوت بخشیده باشد و از این مقوله آسمانی گفتگو نکرده و در این راه تجربه ای ننموده باشد. اما پس از گذر سالیان ممتد و طولانی که ذهن های خیال اندیش و نکته سنج شاعران در هر طبقه ای پیرامون این مضمون و شرح آن باریک اندیشی و ترکیب سازی نموده اند، ولی هنوز تازه گی و شورانگیزی آن در بستر ترکیبات جدید از این کلمه در سلسله شاعران ادامه دارد. هر ترکیب نیز دیدگاه جدید در ذهن مخاطب می آفریند. دیدگاهی که نخست از ذهن شاعر و عمق وجود او در قالب کلمات تبلور می یابد.

به ترکیب های ذیل نگاه کنید:

تندر عشق^۱، باده شیبگیر عشق، پیر عشق^۲

۱- ساحل شوق به شور آمد و از تندر عشق موج بر موج فرو ریخت که دریا آمد

شعر از «احمد خوانساری» با عنوان: «مطلع فجر»

۲- از فراز قلّه اندیشه آمد پیر عشق تا به رقص آرد زمین از باده شیبگیر عشق

تدبیر عشق،^۱ شرق عشق^۲، همای عشق^۳ معبد عشق^۴ و همچین نگاه کنید به ترکیبات ذیل:^۵

شراب عشق، خواب عشق، آفتاب عشق، اضطراب عشق، عقاب عشق، نم نم باران عشق، قصه عشق، مست عشق، دار عشق، فرهاد عشق، نای عشق، ماجرای عشق، کافر عشق، تصویر عشق، و...

در مورد محتوای شعر انقلاب اسلامی باید گفت که بخش عظیمی از شعر انقلاب اسلامی، مضامینش پیرامون چند موضوع اصلی در گردش است.

این مضامین عبارتند از: «عرفان، حماسه و عشق» که در آمیزه‌ای از مهر و قهر یا لطف و خشم می‌توان آنرا خلاصه نمود. وجود این عناصر در مضامین شعر انقلاب اسلامی به خاطر تأثیری است که شاعر از شعارهای ناشی از دوران نسبتاً طولانی مبارزه آگاهانه ملت به رهبری امام راحل (ره)، به ارمغان گرفته است. سالیانی که از هنگامه پانزدهم خرداد سال چهل و دو تا پیروزی ۵۷ و از آن زمان سراسر مبارزه روی در رو با جبهه متحد شرق و غرب در ۸ سال دفاع نورانی سالهای خون و شهادت از عمر این ملت را در خویش داشت. مبارزان این دوران شکوه، سخن «دعبل خزائی» شاعر بزرگ شیعی را زمزمه جان دارند که: «عمری است دار خویش را بر دوش می‌کشم». شاعر انقلاب

شعر از «نصرالله مردانی» با عنوان: «سبز پوش عرصه اندیشه»

۱- بانگاه آفتاب آلوده آمد چون سحر تا برافروزد چراغ روز با تدبیر عشق

«همان»

۲- از شرق عشق آمد برون پیری به سیمای سحر جوشیده با نور یقین، پوشیده پولای سحر

شعر از: «محمد خلیل جمال» با عنوان: «سینای سحر»

۳- گشوده بار سفر، رهنورد وادی نورد همای عشق از آن بارگاه می‌آید

شعر از: «سیاوش دیهیمی» با عنوان: «طلوع نوریاران»

۴- بال بگشوده از این دایره تا معبد عشق تا به سوز تو درین نایره پر ریخته‌ایم

شعر از «مشفق کاشانی» با عنوان: «هفت بند نای» بند پنجم

۵- از آوردن شواهد شعری به خاطر طولانی شدن مقال خودداری شده است.



اسلامی در این دوران، میان حماسه سازان گم شده است و هیچ وابستگی ندارد، جز به آنچه که مردمش به آن دل بسته‌اند. شاعر این دوران اگر می‌اندیشد و ذهنش در فراخنای خیال به پرواز در می‌آید، می‌اندیشد که چگونه حال اغلب مردم روزگاران را به تصویر کشد و در تنگنای واژگان، چونان سخنگوی متعهد و سوخته جان، زبان ملت باشد و در کام جان به گردش در آید و با واژه‌ها نقشهائی بسازد که گویای این تصویرگری باشد. چنین تحولی نیز در نهضت انقلابی مشروطیت در حیات ادبی کشور پدید آمد و گروهی از شاعران به جمع آزادی خواهان و ستیزه‌گران با ظلم و بیداد دستگاه پادشاهی پیوستند، و فرصت آنرا یافتند که با زبان قلم به پیکار کژی‌های روزگار خویش برخیزند. اما به دلایلی چند این حرکت اگرچه تأثیر داشت، ولی نتوانست نقش اساسی خویش را ایفا کند. از جمله موانع، محدود بودن دایره فعالیت‌های آنان در یکی دو روزنامه بود. اگرچه بعدها دهها روزنامه در تهران، تبریز و رشت انتشار یافت ولی به هر جهت عموم مردم رجوعی به روزنامه‌ها نداشتند اما در همین زمان شعر زبان بسیار خوبی بود که در قالب ترانه‌ها و تصنیفهای گوناگون بخشی از مسئولیت عظیم آگاه‌سازی مردم کوچه و بازار را به عهده گیرد. به خصوص که زبان عامیانه وارد شعر گردید و طنز سرائی نیز توانست معایب و مفاسد رژیم مستبد و عمال آن را به استهزاء بگیرد و گونه‌ای مقاومت و آگاه‌سازی را در جامعه پدید آورد. اگرچه مبنای طنز شوخی و خنده است اما طنز آن زمان خنده‌ای بود تلخ و جدی و دردناک، همراه با سرزنش زنده، که مجرمان سیاسی و اجتماعی را با جرم و خطایشان آشنا کند و معایب جامعه را بزداید.

با آغاز نهضت مشروطیت شعر فارسی پویانده و متنوع می‌گردد و در دو قالب لفظ و معنا، نوآوری آغاز می‌شود. شاعران با گزینش زبان مردم کوچه و بازار تمام حوادث روز را به نظم می‌کشند. بعضی از آنان بدون توجه به سنت‌ها و سبک‌های شعری این وظیفه را انجام دادند؛ همچون سید اشرف الدین حسینی گیلانی، عارف قزوینی و عشقی. گروهی نیز بینابین حرکت کردند. یعنی تا جایی که ممکن بود، سنن شعری

سبک کلاسیک در ادب فارسی را رعایت کردند اما در عین حال حوادث زمانه را نیز در شعر به گفتگو گذاشتند. گونه‌ای که تغزل از خمیر مایه اصلی خود - که شرح عشق و حالات آن بود - خارج شد و رنگ و بوی سیاسی، اجتماعی در مضامین وارد گردید. در مضامین قصیده و مثنوی و قطعه‌ها نیز همین تحول صورت گرفت.^۱

محتوی و مضامین شعر این دوره وجوه مختلف مناسبت اجتماعی، وطن و ناسیونالیسم، شرح دردهای اجتماعی و آرزوی مساوات، دوستی، آزادی و ترقی و دانش اندوزی بود.

در شعر انقلاب اسلامی، همه این تحول‌های شعر مشروطه را میتوان در مضامین دید و برای هر کدام دهها نمونه از قالب‌ها و سبک‌های مختلف شعری آورد. اما علاوه بر این خصوصیات محتوایی، تغییرات عمیق دیگر نیز همراه شعر انقلاب اسلامی است که در شعر مشروطه یا بی رنگ است و یا اثری از آن نیست. تأثیر عمیق شعر انقلاب اسلامی از قرآن و حدیث و تفسیر همه موارد فوق در حدود مرز رسالت دین و تعهد به قرآن و سنت، است. به عنوان نمونه در عین حال که شاعر این دوره در موضوع وطن خواهی بلندترین و عاشقانه‌ترین مضامین را ابداع می‌کند اما انگیزه اصلی خود را در این عشق و محبت از متن دین، که مجموعه‌ای از قرآن و سنت است، می‌گیرد و به آن با نگاه یک ارزش دینی می‌نگرد. «باید برای حفظ وطن جنگید» شعار، شعر مشروطه و شعر انقلاب اسلامی است، اما در شعر مشروطه جنگ، چون یغمای تن مجاهد و تاراج روان مرد دلاور را به همراه دارد نکوهیده و زشت سپرت است، ولی در شعر انقلاب اسلامی، از قرآن به جنگ نگاه می‌شود و با این دید «یغمای تن» و «تاراج روان» یکی از دو سوی «احدی الحسنین»^۲ است.

۱- برای نمونه مراجعه شود به: سه تابلوی مریم از عشقی، مثنوی عارفانه از ایرج میرزا، شمع مرده از ددخدا، قصیده جغد جنگ از ملک الشعرای بهار، قطعه محتسب و مست از پروین اعتصامی و...

۲- مأخوذ از آیه شریفه قرآن: سوره توبه، آیه ۵۲

«قُلْ هَلْ تُرَبِّصُونَ بِنَا أَلَا أَحَدُ الْحَسَنِينَ» سوره توبه، آیه ۵۲



برای روشن شدن موضوع دو نمونه ذیل را می آوریم و مقایسه را به خوانندگان محترم وا می گذاریم :

* نمونه اول « شعر جنگ » از : « ادیب الممالک فراهانی »: شاعر مشروطیت

دلبس و دلجوی و دلفریب و دل آرا	جنگ در اول بود به سان عروس
موئی دارد به تیرگی شب یلدا	روئی دارد به روشنی رخ نوروز
هرکه قدش دید گشت مست تماشا	هرکه رخش دید گشت واله دیدار
و آتش کین زد همی زبانه به بالا	لیک در آخر چو گشت تفتنه تنورش
خوکی دندان شکسته، زالی شمطا ^۱	گرگی بینی، درشت بینی و بدشکل
یغما سازد تن مجاهد برنا	تساراج آرد روان مرد دلاور
هرکه رخش دید پشت کرد به هیجا ^۲	هرکه قدش دید کوژ پشت زمینی شد

* نمونه دوم « پیر دلاور ما » از : « نصرالله مردانی »: شاعر انقلاب اسلامی

فریاد سرخ خون است فریاد رهبر ما	می داند اسم اعظم پیر دلاور ما
در جشن خون گریزان از خاک کشور ما	جلادهای تاریخ با رشته های خونین
گلبانگ با شکوه الله اکبر ما	ای کور دل بپاخیز دنیا به لرزه آمد
در شعله حقیقت بر لوح باور ما	این مغزهای بیمار بگذار تا بسوزند
رنگین ز خون عشق است دیوار سنگر ما	تاریخ ما نوشتند روز نخست با خون
انبوه لاشخواران پرواز بر سر ما	ای هم نبرد هشیار بنگر که باز دارند
بر لب چگونه آرند نام ابوذر ما	این ملحدان دلقک ببران کاغذینند
تا گرگ زخمی شب بگریزد از بر ما	تیرت به قلب دشمن ای هم وطن رهاکن
با رنگ دیگر آید اهریمن از در ما	هم سنگر بزرگم بیدار باش بیدار
شعر ظفر بخواند خورشید خاور ما	بر قله های ایثار با اختران خاکی
در سنگر خدائی یاران دیگر ما	سد سپاه دیوان با سیل خون شکستند

علاوه بر این تفاوت، در شعر انقلاب اسلامی درجه های دیگری نیز به سمت و سوی حقایقی دیگر از حیات جدی آدمی گشوده شده است. تمامی ویژگیهای این

۲- هیجا: میدان جنگ

۱- شمطا: سپید گیسو

بعد عظیم که در شعر مشروطه به گونه مشهود به فراموشی سپرده شده است اما در شعر انقلاب اسلامی سخت به آن پرداخته شده؛ می توان در عنوان مقدس «عرفان» خلاصه کرد. آمیختگی روح عرفانی با ذوق ایرانی پیشینه دیرین دارد و حتی باید این ذوق را قبل از اسلام نیز مطالعه کنیم. ذهن ایرانی؛ دانش، درک، وقوف و دانائی به حقیقت اصلی خویش را همیشه جستجو می کرده است. خیال نیرومند شاعر این مرز و بوم در اوج پروازش به جهانی ماسوای ماده، وارد می شود که پر از قدس و پاکی و صفای روح است. آن عالم را تجربه شخصی می کند و چون مسافری که برای عزیزانش زیباترین هدیه را می آورد، از این سیر و سفر معنوی برای مردمش، سوغاتِ عرضه معرفت را به همراه دارد. گوهری که سیرابی تشنگان حقیقت را به ارمغان دارد. در میان کدامین ملتی این همه تکاپوی شاعران در کشف رازهای درون و جستجوی حقیقت و گشودن راز و رمزهای بعد سلکوتی انسان و عروج به باطن هستی را میتون سراغ داشت؟

در شعر انقلاب اسلامی در مضمون و محتوا، توجه عمیق و گسترده‌ای به این بُعد از حقیقت آدمی شده است. اما عرفان آن «صوفیگری یأس» و انتظارهای طاقت فرسای بی عمل نیست. بلکه هر عرفان و معرفت و عارفی که فقط کوس یافتن زند اما حقیقت آنرا به همراه نداشته باشد، بیگانه است.

عرفان باید با غیرت دینی توأم باشد نه با خلسه‌ای که گریز از صف گردانهای شهادت داشته باشد و به قول شاعر:

شهید غیرتم آن سان که در حوالی دوست

نگاه صوفی بیگانه را نمی تابم^۱

با همین ویژگی است که شعر انقلاب اسلامی عناصر عرفانی اش در آمیختگی کامل با «جهاد» قرار دارد.

کلماتی چون؛ قطب، عشق، پیر، فانی، خرقه پوش، مرید، بیدل، خم، حیرت، ولی،

۱- شعر از قادر طهماسبی متخلص به «فرید» شاعر معاصر.



جام، مست و... همان واژگان شعر تصوف اند اما در شعر انقلاب اسلامی مضامین هم سوی همان خصوصیتی است که گفته شد، می توان با تعبیر دیگر آنرا خلاصه کرد نظیر تلفیق قول و عمل، ترکیب ادعا و عمل، همراهی طریقت و حقیقت و خلاصه صداقت در ظاهر و باطن. و شاعر اگر چنین مضمونی می آفریند و از ترکیبهای زیبای شعر تصوف بهره می گیرد، به خاطر این است که چنین حقیقتی رادر مدعیان حقیقت تماشا میکند و صحه می گذارد. او شرح واقعه می کند. اگرچه ممکن است در کنار واقعه باشد. راوی است در عین آنکه تضادی با حضور عملی در صحنه های خطر و مجاهدت داشتن نیز ندارد.

در نمونه ذیل دقت کنید:

مین مگر هنگام هیجا آمده	یا مسیحا بر چلیپا آمده
هین مگر این زلزله تنزیل بود	یا طنین بال میکائیل بود
ای بقا نوشیده پیرفانیان	خرقه پوش حلقه ی روحانیان
ای حسن پیموده ای راه حسین	پرچم خون برگلوگاه حسین
ای تفسیر پنج تن آل عبا	چهار قطب ارض را زیر قبا
ما مرید بسی دل راه توایم	ما زهر آینه خونخواه توایم
ای خم و من را به نی انداخته	خلق را در های و هی انداخته
شیعیان زنجیر باید زد به خون	تا بهشت سرخ زهرا لاله گون
از چسمن سبزی گذشت از لاله	... شیعیان تیغ جلالی می خورند
برگ خشک خشکالی می خورند	زخم می نوشند اینان مست مست
شیعیان شیرند حتی در شکست	ای خدا نوشیده و فانی شده
رخت خاک افکنده ربانی شده	از عدم می خورده پیر مست رفت
عاشقان! انگار عشق از دست رفت	بی خمینی، خانقاه نور نیست
بی خمینی هیچ کوهی طور نیست	از عدم پیمودگان خنجر کجاست؟

ای ز شب برگشتگان حیدر کجاست؟

۱- شرحی آواز. مجموعه شعر، احمد عزیزی. ناشر: انتشارات برگ، چاپ اول ۱۳۶۸ با عنوان خسوف

اگر در شعر مشروطه تلفیق غزل را با مسائل سیاسی اجتماعی داریم، در شعر انقلاب اسلامی از لحاظ مضمون همین تلفیق در قالبهای مختلف شعری وجود دارد و علاوه بر آن ترکیب «عرفان و حماسه» نیز از نظر محتوا و مضمون در نمونه های فراوان تجلی کرده است.

ساخت ترکیبهای مناسب با این مضمون نیز در آثار شاعران انقلاب اسلامی بسیار زیاد و زیبا است. برای نمونه تعدادی از این ترکیبها را می آوریم:^۱

عقل فاصله اندیش، شایسته ملامت، ساقی صد جام خوشگوار، فاتح موعود
کارزار، مخافت راه، خیال مرهم مهر، گوشه خسته بهمن، ناقوس خون، طلوع طوفانی
عشق، اشک گلرنگ، حج خون، سودای سرخ، شهید غمزه، شهید غیرت، شهید وصل
، شعار آتش و شبنم، آفتاب سرخ هدایت، شعله عشق، دام شور و...

در نمونه هائی از شعر شاعران انقلاب اسلامی عناصری عرفانی با عناصری از حماسه در طول ابیات همراهند. عناصر عرفانی نظیر: ذکر، مناجات، اشراق، غمزه، پارسایان، شهود، عشق، سلوک، درد، ناز، می، شراب، مطرب، مغنی. و عناصر حماسی نظیر: آتش، ستیغ ستیز، آتشفشان، افقهای خون، قهر، غبار، شوریدن عذرا، لهیب، تشنه تیغ، کوه حادثه، مرگ ارغوانی، سنگر و ایثار و گلوله.

حماسه در لغت به معنی «دلآوری» شجاعت، رجز و نوعی شعر است و در اصطلاح، «نوعی تقلید و مجساکات می باشد که به وسیله وزن از احوال و اطوار مردان بزرگ و جدی بعمل می آید». آدر حماسه های ملی ایران، نوعی نبرد میان خیر و

شقایق، این شعر همچنین در سوگنامه، مجموعه شعر شاعران معاصر، چاپ اول، ۱۳۶۹، انتشارات سرزش با عنوان «زلزله تنزیل» آمده است.

۱- نمونه ها از شعرای مختلف است که برای جلوگیری از به درازا کشیده شدن کلام از ذکر نام شاعر و آوردن شواهد خودداری شده است.

۲- ارسطو: فن شعر. ترجمه: دکتر عبدالحسین زرین کوب، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران



شر یا مقابله قدرتهای اهورائی و اهریمنی است که به صورت جریانی سیال و دائمی در بستر حوادثی جالب به سوی سرنوشت پیش می رود. این حماسه های ملی، در تکوین فرهنگ ملت کهنسالی چون ایران سهمی مؤثر دارد.

«هر حماسه ناگزیر باید از وحدت کامل برخوردار باشد. این وحدت حاصل چند امر است: نخست اینکه، یک حادثه اصلی در آن وجود داشته باشد تا حوادث دیگر را پی بیاورد. دوم اینکه یک قهرمان اصلی در آن باشد که حوادث را رهبری کند.»^۱

بخش قابل توجهی از اشعار انقلاب اسلامی در همین تعریف قرار می گیرند. در پیرامون شخصیت واحدی چون امام خمینی «ره» که از مبدا نهضت ۱۵ خرداد چهل و دو تا زمانی که این بزرگوار در قید حیات بودند، مبارزه بود. جانب ایشان نیروهای اهورائی و در مقابل نیروهای اهریمنی. یک حادثه اصلی در این دوران وجود داشت و آن قیام برای اسلام و رسیدن به بزرگترین جایگاه فطری بشر یعنی عبودیت حق و خروج از استیلای غیر حق بود. این حادثه ها هم به نوعی بی نظیر و یا کم نظیر بودند. سرنوشت نیز که ظهور هرچه بیشتر حق و محور مکرها و خدعه های دشمنان حق بود، رقم می خورد.

با این تحلیل اگر چه مجموعه حماسه انقلاب در کتابی واحد گرد نیامده است به گونه ای که حوادث را با حفظ اصل واقعه تاریخی و با رعایت دو عنصر زمان و مکان جمع آورده باشد، اما در شعر انقلاب که مجموعه ای است وسیع از شاعرانی فراوان، این نوع از شعر قابل انتزاع است، در صورتی که در شعر دوران مشروطیت بسیاری از این واقعات به صورت ویژگی اصلی، وجود ندارد. به عنوان مثال؛ «رهبری واحد» و یا «کشیده شدن به سمت سرنوشتی چوتان سرنوشت حماسه انقلاب اسلامی».

از جمله ملاحظات دیگر پیرامون شعر انقلاب اسلامی اینکه در مضمون و ترکیبها و ساخت واژگانی، از خانواده طبیعت نیز بهره وافر برده است و بر خویش زیور طراوت پوشانیده است. انس انسان با طبیعت بکر و شوق بودنش در کنار عناصر آن، چیزی

۱- رضا سید حسینی، مکتبهای ادبی، انتشارات نیل، تهران ۱۳۵۱ ش، ج ۱، صص ۵۲، ۵۳

نیست که احتیاج به آموختن داشته باشد، فطری است. پس هر چه شاعر بتواند از خصوصیات و ویژگیهای طبیعت در مضمون و یا واژه ها و ترکیب های شعرش بهره گیرد، شعر را طبیعی تر و تأثیر گذارتر کرده است. امری که در سابقه کهن شعر بلند فارسی دری، پیشینه طولانی دارد. همین موضوع نیز در شعر انقلاب اسلامی کاملاً مشهود است. در نمونه های ذیل دقت کنید:

- وقت آن شد که به گل حکم شکفتن بدهی

ای سرانگشت تو آغاز گل افشانیها

فصل تقسیم گل و گندم و لبخند رسید

فصل تقسیم غزلها و غزل خوانیها^۱

- عطر تکبیر به گلدسته مینا پیچید

موج گلفام اذان زمزمه آرا آمد^۲

- بیا که ساقی صد جام خوشگوار توئی

ستاره شب یاران میگسار توئی

بلندی شب یلدا به هیچ انگارم

اگر طلایه آن صبح زرنگار توئی^۳

و نمونه های فراوان دیگر از این گونه ابیات. ترکیبهای ذیل نیز از این دسته هستند:

کرامات آب، سلاله مهر، کویر وجود، آینه آفتاب، گل نفس، شبنم اشک، چشمه چشم ، لطف باران، نهر جاری نور، گل آفتاب، آواز آب، بلوغ گل، غزل آفتاب، خاک تشنه، چشمه سار سخا، نسیم آزادی و بعضی از عناصر شعری دیگر از خانواده طبیعت اعم از طبیعت بی جان و جاندار نظیر: پائیز، گل، بهار، نیلوفر، شقایق، شن، زمزم، خاک،

۱- شعر از: قیصر امین پور، مجله سروش، شماره ۴۱۶، بهمن ۱۳۶۶

۲- شعر از: احمد خوانساری به نقل از: نقشبندان غزل، انتشارات انجمن فرهنگی ادبی بنیاد ۱۵ خرداد

۳- چاپ اول، ۱۳۶۵، گردآوری: عباس مشفق کاشانی

۳- همان منبع



شب‌نم شرعی، مهتاب و...

برای جمع بندی موضوع چند بیتی از شهریار را به عنوان «ختامه مسک» می آوریم:

تو آن سروی که چون سر برکنی سرها بیارائی
و گر سرور شدی آئین سرورها بیارائی
به نقاش ازل مانی، که با نقش جهان آرا
چمن ها با گل و سرو و صنوبرها بیارائی
کجا با مشک و عنبر کلک مشکین تو آرایند
توئی کز خط مشکین مشک و عنبرها بیارائی
من این یک بیت سعدی با تو ای خواننده می

گویم

مگر گیری قلم در دست و دفترها بیارائی
«به زیورها بیارایند مردم گل‌مذاران را
تو شاخ گل چنان زیبا که زیورها بیارائی
تو هم خود شهریار گوهر آرائی و گوهر سنج
به هر گنجت گذار افتاد گوهرها بیارائی»^۱

از ویژگیهای شعر انقلاب اسلامی، مددگیری شاعر است از آنچه که مردم به خوبی آن را می شناسند و یا حداقل ابهام هایشان در مورد آنها اندک است. مسلمان مردمی که انقلاب کرده‌اند و آشنائیشان با کتاب دین یعنی قرآن و سیره و سنت نبوی و عترت گرامی صلوات الله علیهم اجمعین، به شاعر این امکان را می دهد که از معرفت دینی مردم - که خود نیز از آنان است - بهره جوید. هم در معنا و هم در لفظ. به خصوص آنکه همه دعوت انقلاب اسلامی نیز حتی در سیاست گذاری، کشش به سوی همین

۱- شعر انقلاب: ناشر انتشارات وزارت ارشاد، چاپ اول، دهه فجر، ۱۳۶۵

باورهاست.

بنابراین بدیهی می نماید که شاعر برای بیان آنچه در ضمیر دارد و می خواهد از طریق ترکیب الفاظ برانگیزاننده احساسات و هیجانات درونی افراد باشد، از آشنائیهای مردم کمال بهره مندی را بنماید. و این یعنی مدد از همه نیروهای ممکن.

در شعر انقلاب اسلامی به همین دلیل و ماهیت یکسانش با قرآن و سنت، اشارات داستانی و اسطوره ای به قرآن کریم، فراوانی دارد. همین بهره مندی، شاعر را توان می بخشد که در عین تأثیر و شورانگیزی بتواند به تفهیم معنی و مضمون کمک کند. اگر اهرم احساسات و هیجانات درونی آدمی را بتوان در نشاط و حزن، رأفت و عطف و خشم و قهر، وجد و شوق و کام و ناکامی خلاصه کرد، برای هر کدام در قرآن کریم تمثیل ها و اسطوره های متنوع وجود دارد. شاعر انقلاب اسلامی تلاش دارد که از این مضامین کمال بهره مندی را نشان دهد تا بتواند در مخاطب خویش ایجاد انگیزش قوی کند. در این مسیر شعر انقلاب اسلامی حرکتی تقلیدی دارد از استوارترین سبکهای کهن شعر فارسی، یعنی سبک عراقی. ابداع شاعر در این زمینه فقط میتواند در برداشتهائی جدید از اسطوره ها و ساخت ترکیبهای بکر، ظهور یابد. در شعر انقلاب اسلامی گونه ای رقابت در این ابداع احساس می شود. در نمونه ذیل؛ دقت فرمائید؛ شاعر در این ابیات در سوک امام خمینی «ره» سعی کرده است که در هر مصرعی هم به خلق مضمون بپردازد و هم با کمک از صنعت تلمیح و ترکیب سازی کند.

خضر بقا سیاه به تن کرد و زود به سر

یسحیای دل خروش برآورد از جگر

موسای طور نور به نیل بلافتاد

عیسای جذبه سر به صلیب عزانهاد

در نای سرخ، نغمه داوود هان شکست

شیرازه زیور و کتاب سحر گست



با حیرتی شگفت، سلیمان آفتاب،
 سر را برهنه کرد در ایوان آفتاب
 یعقوب عقل، پیرهن عافیت درید
 رنگ از عذار یوسف عشق آفرین پرید
 پیغمبر کمال به عرش خدای عشق
 سرکرده نوحه با دل خون در عزای عشق^۱

همچنین ترکیبهای ذیل قابل دقت است:

طشت یحیی، نوح نسیم، کوه کلیم، درس جبرئیل، نفس عیسی، جذبۀ سینا، طور تجلی
 ، صبح مسیحا دم، غیرت بوتراب، ذولفقار قلم، سعی صفا، ابلیس هوس، بساط
 ابولهبی، سنگ قایلی، داغ یحیی، و مقام خلیل.

در شعر انقلاب اسلامی از نظر «مضمون» و «ترکیب» بحث‌های دقیق دیگری نیز
 قابل تأمل است که به خاطر محدودیت‌های موجود در چاپ فصلنامه، گفتگو را به
 مجالی دیگر وا می‌گذاریم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

۱- شعر از: «حمید سبزواری» برگرفته از: در سوک خورشید؛ برگزیده اشعار شاعران در نخستین

سالگرد رحلت امام «ره»، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹